

# گزارشی از تفاسیر صدرالمتألهین

بر

## قرآن کریم

سیدصدرالدین طاهری

۱۴- تفسیر سوره حدید

۱۵- تفسیر موسوم به اسرارالآیات و انوار البینات<sup>۱</sup>

**ب - تفاسیر ضمنی.** در غالب کتب فلسفی صدرالمتألهین، به مناسبت موضوع، آیات قرآن مطرح و در حد گنجایش کتاب، تفسیر شده‌اند. روشن است که آثار مزبور از این جهت وضع یکسانی ندارند. برای مثال، در مجلدات اول، سوم، چهارم و پنجم اسفار (از چاپ ۹ جلدی) بحث قرآنی مهمی، بر حسب فهرست، وجود ندارد. اما در بعضی دیگر از مجلدات اسفار و بعضی دیگر از آثار او آیات بیشتری مطرح شده‌اند و چند اثر مهم وی، بی‌مبالغه، مشحون از آیات الهی و تفاسیر آنهاست. برای نمونه، شماری از این آثار را همراه با تعداد تقریبی آیات و پاره‌ای از عناوین مستقل مربوط به تفسیر و علوم قرآنی مذکور در آنها ملاحظه می‌کنیم:

**المبدء و المعاد.** شامل ۱۷۸ آیه، با تمسکات مکرر و متنوع به بعضی از آنها.

**اسفار، جلد دوم.** شامل بحثهایی با عنوان «اختلاف طبقات مردم در فهم متشابهات قرآن و حدیث<sup>۲</sup>» و تأیید فلسفی ادله شرعی دال بر صدور خیر از حق تعالی و صدور شر از خلق<sup>۳</sup>.

**اسفار، جلد ششم.** در این کتاب ذیل عنوان واجب‌الوجود، علم و قدرت واجب<sup>۴</sup>، آیات بسیاری از قرآن مورد استشهاد قرار گرفته و تفسیر شده‌اند.

**اسفار، جلد هفتم.** در این کتاب، صفات «عنایت» و «تکلم» از اوصاف واجب، مورد بحث قرار گرفته و به مناسبت آنها آیات بسیاری طرح و تفسیر شده‌اند.

بعضی از مباحث قرآنی این جلد، از این قرارند:

هدف این مقاله بررسی تفاسیر صدرالمتألهین بر قرآن کریم است. این بررسی شامل سه مرحله خواهد بود: گزارش تفاسیر منسوب، بررسی از جهت روش و بررسی از جهت گرایش.

### \* گزارش تفاسیر منسوب

می‌توان گفت دو گونه اثر تفسیری از صدرالمتألهین باقی مانده است

**الف - تفاسیر مستقل.** مقصود از این عنوان، کتب و رسالات کوچک و بزرگی است که این فیلسوف عالیقدر رسماً به نام تفسیر به ساحت قرآن هدیه کرده است. هر یک از این آثار حداکثر شامل تفسیر چند سوره و گاه یک یا چند آیه است و مجموعه آنها بر روی هم نیز به طور قطع تمام قرآن را در بر نخواهد گرفت. آنچه از این گونه، در معاجم و شرح حالها ثبت شده به قرار ذیل است:

۱- تفسیر سوره فاتحه

۲- تفسیر سوره بقره تا آیه ۶۲

۳- تفسیر سوره طارق

۴- تفسیر آیه الکرسی

۵- تفسیر آیه نور

۶- تفسیر سوره اعلیٰ

۷- تفسیر سوره سجده

۸- تفسیر سوره زلزال

۹- تفسیر سوره یاسین

۱۰- تفسیر آیه «و ترى الجبال تحسبها جامدة...»

۱۱- تفسیر سوره واقعه

۱۲- تفسیر سوره ضحیٰ

۱۳- تفسیر سوره جمعه

## نکته مهم و قابل توجه در مورد تفاسیر عرفانی ملاصدرا این است که این عرفان جنبه بحثی، فلسفی و استدلالی دارد و ادعای بی دلیل در آن مشاهده نمی شود.

شوند و بالاخره تأویلات احتمالی قابل قبول مورد توجه قرار گیرند. هر يك از مراحل عمده مذکور در این فهرست را می توانیم يك «شیوه» بنامیم و تفاسیر مختلف با شیوه خاصی که بر آن تکیه می کنند شناخته می شوند. برای مثال گفته می شود تفسیرالمیزان شیوه تفسیر قرآن به قرآن را برگزیده است، در تفسیر بیضاوی شیوه ادبی و در تفسیر صافی شیوه روایتی غلبه دارد.<sup>۱۳</sup> شیوه خاصی هر تفسیر نیز، چنانکه روشن است، ناشی از گرایش فکری و تخصص علمی مؤلف، و به نوبه خود بیانگر آن نیز هست.

با این مقدمه کوتاه و با تذکر این نکته مهم که به دلیل روشن نبودن بسیاری از ضوابط روش شناسانه تفسیر و علوم قرآنی، این گونه بررسیها پیوسته مواجه با اشکال است، بررسی تفاسیر صدرالمتألهین از جهت روش، یعنی مجموعه شیوهها را، آغاز می کنیم. نمونه انتخابی این بررسی، تفسیر سوره حمد است که نسبتاً مفصل انجام شده<sup>۱۴</sup> و می تواند معیاری برای شناسایی اجمالی دیگر آثار تفسیری صدرالمتألهین باشد:

### ۱- جهات لفظی:

بررسیهای لغوی، صرفی، نحوی و ادبی در مورد الفاظ آیات در تفاسیر صدرالمتألهین در حد متوسط یا کمتر انجام شده است. اختلاف قرائتها نیز معمولاً گزارش شده و گاهی در مورد آن فی الجمله بحثی صورت گرفته است. روی هم رفته نمی توان از تفاسیر مزبور به عنوان «تفسیر ادبی» یاد کرد.

### ۲- تفسیر قرآن به قرآن:

از آیات مختلف قرآنی به گونه ای نسبتاً گسترده در تفاسیر ملاصدرا استفاده شده است. برای نمونه در تفسیر سوره حمد، که مجموعاً هفت آیه است، حداقل ۱۲۱ مورد استناد به آیات سوره های دیگر وجود دارد. اما نکته مهم این است که این استنادها معمولاً از قبیل تفسیر قرآن به قرآن به شکل دقیق و مطلوب آن نیست، یعنی این گونه نیست که مؤلف قبل از اتخاذ هر گونه نظری آیات مناسب را، که با آیه مورد نظر، ارتباط موضوعی دارند استخراج و گردآوری کند و با توجه به مضامین مجموعه ای از آیات نظر بدهد، بلکه مؤلف غالباً پس از اظهار نظر قطعی و ضمن تحلیلهای مستقل خود، از آیات قرآن به صورت شاهد استفاده می کند. این استنادها و نیز اقتباسهای مکرری که ضمن ایراد مباحث صورت می دهد به نوبه خود تسلط او را بر متون آیات، به اثبات می رساند.

### ۳- استنادات روایتی:

در تفاسیر ملاصدرا، از روایات معصومین (ع) به طور فراوان استفاده شده، ولی این بهره جوییها به صورت بحث

پیرامون کلام الله و کتاب الله و تفاوت آنها، تفسیر حدیث جمع قرآن در بایء بسم الله، از علی بن ابیطالب (ع)<sup>۶</sup>، تفسیر حدیث «ان للقرآن ظهراً و بطناً»<sup>۷</sup>، اختصاص معرفت کتاب الله به اهل الله، لغت قرآن به زبان اشاره و رمز<sup>۸</sup> و القاب قرآن<sup>۹</sup>.

اسفار، جلد هشتم. موضوع خاص این کتاب، علم النفس است. در فصل دوم از باب ششم پیرامون تجرد نفس ناطقه بحث و از آیات قرآن، روایات، آرای مفسران متقدم، اقوال عرفای اسلامی و نظریات فلاسفه یونان استفاده شده است.<sup>۱۱</sup>

اسفار، جلد نهم. موضوع این جلد معاد است و به این دلیل که موضوع مذکور از خیلی جهات، «نقلی» است مباحث قرآنی بسیاری را در بر گرفته است، از جمله: اشارات قرآنی درباره اقسام اشقیاء و احوال هر يك، آیات دال بر معاد جسمانی و رد ادعای رازی، اختلاف ظواهر کتب آسمانی درباره بعثت و قیامت، تأویل آیات معاد جسمانی توسط بعضی از فلاسفه، میزان علوم و حقیقت حساب و میزان، ارزاق معنوی در قرآن، عرش، بهشت آدم، شجره زقوم<sup>۱۲</sup> و مباحثی دیگر.

مجلدات فوق، بویژه جلد اخیر، نمونه کامل آمیختگی فلسفه با کلام و تفسیر است. همچنین دو کتاب دیگر ملاصدرا، به نامهای «المشاعر» و «الشواهد الربوبیه فی المناهج السلوکیه»، به مناسبت، شامل آیاتی از قرآن هستند. ما کلیه این گونه موارد را «تفسیر ضمنی» نامیده ایم.

### \*\* بررسی از جهت روش

نخست باید معنی «روش» را معلوم ساخت. روش، بر حسب قرارداد، مجموعه شیوه های مختلفی است که يك مفسر به کار می گیرد تا آیه یا گروهی از آیات مرتبط با یکدیگر را به طور کامل تفسیر کند. برای مثال، در يك تفسیر جامع بایستی لغات، جنبه های صرفی و نحوی، وجوه ادبی و قرائت بیان شوند، آیه مورد نظر در جمع آیات مشابه قرار گیرد و مضمون همه آنها با هم سنجیده شود (تفسیر قرآن به قرآن)، از روایات استفاده شود، آرای بزرگان متقدم و متأخر بررسی شوند، مباحث علمی، تاریخی و اعتقادی عنداللزوم برگزار



## تحلیل مفاهیم به معنی بحث‌های مستوفا و مفصل جهت اثبات نقطه نظرها و ردّ آرای مخالف و تدقیق و تفهیم مطالب در تفاسیر صدرالمتألهین به فراوانی دیده می‌شود.

روایتی و جامع الاطراف و به منظور دستیابی به یک نظریه تفسیری نیست بلکه غالباً به صورت استشهادات متفرق بعد از اظهار نظر یا ضمن تحلیل و اثبات نظر موافق و رد نظر مخالف صورت گرفته است. یک نقطه ضعف مهم نیز در این مورد به چشم می‌خورد و آن مسامحه در بیان اسناد است. به طوری که نه تنها غالب روایات را بدون سند و بدون ذکر نام منبع مورد استفاده نقل کرده، بلکه گاهی معرفی مصدر روایت، یعنی معصوم علیه السلام، را نیز مورد غفلت قرار داده است. برای نمونه، در تفسیر سوره حمد پنجاه و شش فقره اسناد روایتی وجود دارد که فقط دو مورد آن همراه با ذکر منبع و سلسله سند است.<sup>۱۵</sup> بدیهی است که این مطلب که از این همه موارد اسناد روایتی فقط دو مورد، آن هم تا حدودی<sup>۱۶</sup>، قابل قبول باشد یک نقطه ضعف مهم به حساب می‌آید، علاوه بر این که در این دو مورد نیز مرجع نقل از کتب مشهور و درجه اول نیست.

لازم به یادآوری است که در این تفاسیر از احادیث قدسی و ادعیه و اذکار نیز تا حدودی استفاده شده است و از باب نمونه در تفسیر سوره حمد بر روی هم، هفت مورد از این گونه اسنادات وجود دارد.

### ۴- اسناد به آرای بزرگان:

صدرالمتألهین، بی آن که خواسته باشد آرای باقی مانده از دیگران را ملاک رأی خود قرار دهد، ضمن اظهار نظرهای خود از آرای دیگران نیز بهره می‌گیرد و در این میان، ضمن آن که به آرای صحابه و بزرگان از اهل تفسیر و متکلمان و گروه‌های اعتقادی دیگر استفاده کرده، بویژه نسبت به نظریات عرفای بزرگ اهتمام ویژه داشته است. برای نمونه در تفسیر سوره حمد از اقوال غزالی، قاضی بیضاوی (مؤلف تفسیر انوار التنزیل و اسرار التأویل) فخرالدین عراقی (صاحب لمعات)، خواجه عبدالله انصاری، حسن بصری، ابوعلی جبائی و عبدالقاهر (؟) استفاده شده است و در تفسیر این سوره حداقل بیست و شش مورد از این گونه منقولات صریح وجود دارد، اما موارد غیر صریحی نیز با عناوینی نظیر صاحب المقامات، صاحب الاشارات، بعض اکابر العارفین و امثال اینها مشاهده می‌شود و عنوان اخیر ظاهراً در اشاره به محیی‌الدین است که

صدرالدین نسبت به او تواضع فراوان دارد و معمولاً رأی او را می‌پذیرد. همچنین از اشعار عرفانی و حکیمانه نیز در این تفاسیر استفاده شده است و در سوره حمد حداقل ۹ مورد از این دست را می‌توان ملاحظه کرد.

در مجموع باید گفت تفسیر صدرالمتألهین از جهت نقل آرای بزرگان و استفاده از آنها قوی و صاحب امتیاز است و دلیل بارز این مدعا حداقل دو بیست و بیست مورد استناداتی از این گونه است که در سرتاسر تفسیر سوره حمد ملاحظه می‌شود و این تفسیر را از جهت توجه به «اثر» به معنی عام آن ممتاز می‌سازد و نیز نشانه اهتمام مفسر نسبت به آرای اسلاف، بزرگان و پیش کسوتان است. البته در کنار این احترام و تعظیم شایسته نسبت به پیشینیان، گاهی هم طعنه‌های عظیم و صریح در این تفسیر دیده می‌شود. برای نمونه در یک مورد در تفسیر سوره حمد می‌گوید: «و قد تکلف بعض اهل النظر ممن یرید آن یطیر مع الطیور السماویة باجنحة عملیة صنعها بیدیه و الصقها بجنیه...»<sup>۱۷</sup> قابل سؤال است که منظور صدرالمتألهین از شخصی با این توصیف، کدام مؤلف بوده است.

### ۵- تحلیل مفاهیم:

تحلیل مفاهیم، به معنی بحث‌های مستوفا و مفصل جهت اثبات نقطه نظرها و ردّ آرای مخالف و تدقیق و تفهیم مطالب در تفاسیر صدرالمتألهین، به طور فراوان صورت گرفته است. برای نمونه در تفسیر سوره حمد، که حدود صد و هفتاد صفحه است در حدود صد و چهل و چهار صفحه به بحث و تحلیل در چند مسئله مهم اختصاص یافته است.<sup>۱۸</sup> همین ویژگی، علاوه بر محتوا و جهت تحلیل‌ها، که با گرایش فلسفی مؤلف ارتباط دارند، مهمترین وجه بارز این تفسیر را تشکیل می‌دهد.

### \*\* بررسی از جهت گرایش

#### گرایش عرفانی - فلسفی - کلامی:

تحلیل‌های تفسیری صدرالمتألهین بیشتر عرفانی، سپس فلسفی و در مرحله سوم کلامی است. درباره بحث‌های کلامی، که بدون شک نسبت به دو قسمت دیگر در اقلیت هستند، گفتگوی جداگانه‌ای لازم است، اما در مقایسه جنبه‌های عرفانی و فلسفی و بحث‌های مربوط به هر یک می‌توان گفت، علی‌رغم اشتها فلسفی ملاصدرا، بار عرفانی تفاسیر او، بویژه در تفسیر کبیر، بیشتر است. مرحوم مظفر در مقدمه اسفار می‌گوید: «ملاصدرا در تمام عمر به غیر فلسفه اشتغال نیافت»



و اضافه می‌کند که «تفسیر او امتداد فلسفه اوست»<sup>۱۹</sup>. این قضاوت، چندان، با وضعی که در تفسیر سوره حمد ملاحظه می‌کنیم سازش ندارد، مگر این که این جمله را بر آن بیفزاییم که: «امتداد فلسفه او نیز عرفان است». او، خود، هدف فلسفه را، در بعضی از تعاریف یا توصیفهای آن، «تشبیه به پروردگار» می‌داند<sup>۲۰</sup> و اسفار اربعه را نیز در انطباق با سفرهای چهارگانه سالک نام‌گذاری کرده است.

یک نکته مهم و بسیار قابل توجه در مورد جنبه عرفانی تفسیر ملاصدرا این است که این عرفان جنبه بحثی، فلسفی و استدلالی دارد و ادعای بی‌دلیل در آن مشاهده نمی‌شود، همه مباحث آن جدی هستند و تدوَّق صرف در آن بسیار اندک است. البته در تفاسیر صدرالمتألهین گاهی با عناوینی از قبیل «مکاشفه»، اشاره کشفیه، برهان عرش، بصیرت، تأیید استبصاری، مشاهده اشراقیه، تمثیل نوری، تصویر ایمانی» و امثال اینها برمی‌خوریم، ولی این عناوین نیز، با تفاوتی که با هم دارند و غالباً با ظرافت انتخاب شده‌اند، وقتی در مطالب ذیل آنها دقت می‌کنیم عموماً استدلالی هستند و برای اهل نظر، با هر نوع اعتقاد و گرایشی، قابل طرح می‌باشند.

#### یک مقایسه مستند:

خصوصیت فوق، عرفان تفسیری صدرالمتألهین را بکلی از عرفان محیی‌الدین، در تفسیر منسوب به وی، ممتاز می‌سازد، زیرا محیی‌الدین چنانکه در مقدمه فصوص الحکم ابراز داشته، اساس تفکر عرفانی خود را بر ارتباط مستقیم با عالم غیب گذاشته<sup>۲۱</sup> و در تفسیر نیز غالباً به تدوَّق و تظنیر و رمز پردازی و سمبل سازی توجه کرده است. در این مرحله، برای این که این ادعا و این مقایسه را بی‌دلیل مطرح نکرده باشیم، محتوای تفسیر محیی‌الدین در «بسم‌الله الرحمن الرحیم» را با محتوای تفسیر ملاصدرا در همین مورد مقایسه می‌کنیم. این مقایسه با رعایت اختصار انجام می‌شود، اما اگر قدری هم به درازا بکشند مفید است و عظمت کار صدرالمتألهین را نمودار می‌سازد. به علاوه، در این بررسی موظفیم نمونه‌هایی از کارها و آرای تفسیری صدرالمتألهین را گزارش کنیم و این، خود، یک نمونه است.

**خلاصه مطالب محیی‌الدین در تفسیر بسم‌الله...:**

معنی اسم به طور کلی: ما یعرف به الشیء  
اسماء الله: الانواع التي تدل بخصائصها و هویاتها  
على صفات الله و ذاته...

معنی «الله»، معنی «رحمن» و معنی «رحیم» به اختصار.

نکته لطیف: ان الانبياء وضعوا حروف التهجي بازاء مراتب الموجودات... و لهذا قيل ظهرت الموجودات من باء بسم‌الله، اذ هي الحرف التي يلي الالف الموضوعه بانها ذات الله. فهي اشارة الى العقل الاوّل الذي هو اوّل ما خلق الله...

والحروف المملوطة لهذه الكلمة ثمانية عشر و المكتوبة تسعة عشر و اذ انفصلت الكلمات انفصلت الحروف الى اثنين و عشرين. فالثمانية عشر اشارة الى العوالم المعبر عنها بثمانية عشر الف عالم...

توجيه كتابت «بسم» بدون همزه به جای «باسم»: سئل رسول‌الله(ص) عن الف الباء من اين ذهبت؟ قال سرقها الشيطان... اشارة الى احتجاب الوهية الالهية في صورة الرحمة الانتشاريه و ظهورها في الصورة الانسانية بحيث لا يعرفها الااهلها.

تقدم و تأخر مراتب توحيد نسبت به یکدیگر در معرفت الهی: ... فتوحيد الافعال مقدم على توحيد الصفات و هو على توحيد الذات و الى الثلاثة اشار صلوات الله عليه في سجوده بقوله: اعوذ بعفوك من عقابك و اعوذ برضالك من سخطك و اعوذ بك منك<sup>۲۲</sup>.

**خلاصه مطالب صدرالمتألهین در تفسیر بسم‌الله...:**

**فصل:**  
معنی اسم در لغت: ... مشتق من السّمه و هو العلامة فكانه كان منقولاً لغویاً من مطلق العلامة للشیء الى علامة خاصة و هو اللفظ الدال عليه بالاستقلال.

معنی اسم نزد عرفا: و لما كان نظر العرفاء الى اصل كل شیء و ملاك امره من غير احتجابهم بالخصوصیات و مواد الاوضاع كان الاسم عندهم اعم او اشمل من ان يكون لنظماً مسموعاً او صورة معلومة او عیناً موجوداً.

تطابق اصطلاح عرفا با قرآن و حدیث: و شبه ان يكون عرفهم يطابق عرف القرآن و الحدیث فان الاسم في قوله تعالى «سبح اسم ربك الاعلی» و قوله «تبارك اسم ربك ذوالجلال و الاكرام» مستبعدان يكون المراد به الحروف و الصوت و ما یلثم منها لانها من عوارض الاجسام و ما هو كذلك يكون احس الاشياء فكيف يكون

می‌کند که آن اسم را می‌شناسد و به آن توجه و بستگی دارد. اما عارف کامل، خداوند را به جمیع اسمای حسنا یا او می‌شناسد و می‌پرستد. نکته مهمی که در پایان این فصل تذکر داده شده و خود صدرالمتألهین نیز برای آن اهمیت ویژه قائل است این است که: عبادات ناقص و شاید هر نوع پرستشی که به طریقی منتهی به خداوند شود، یعنی به اسم یا صفتی مربوط گردد، حتی اگر شخص عبادت کننده از این راهیابی غافل باشد، در حدی که از کمال نسبی برخوردار است به رسمیت شناخته می‌شود؛ و اما سائرالسبیل فغایتها كلها الى الله اولاً ثم يتولاه الرحمن آخراً... صدرالمتألهین در پایان شگفتی خود از این مسئله و اهمیت کشف آن را با این عبارت بیان می‌کند: «و هذه مسألة عجيبة لم اجد في وجه الارض من عرفها حق المعرفة»<sup>۲۴</sup>.

### فصل:

#### در نسبت اسم «الله» به سایر اسما:

در این فصل تذکر و توضیح داده شده که نسبت «الله» به بقیه اسما، شبیه نسبت وجود محض به ماهیات متکثر است. در ادامه فصل نیز اسم «هو» که در ذکر «یا هو» می‌آید بر جمیع اسما حتی «الله» ترجیح داده شده است، زیرا اسم «هو» آن مقداری هم که «الله» به دلیل جامعیت اسمانی و صفاتی خود حد می‌پذیرد، حد پذیر نیست؛ و اما اسم «هو» فلاحدله ولا اشاره اليه فيكون اجل مقاماً و اعلى مرتبه، و لهذا يختص ب مداومة هذا الذكر الشريف الكمل الواصلون<sup>۲۵</sup>.

#### نکته‌ها و فصولی درباره صفات الهی، اهمیت ذکر، مراتب توحید و اصالت وجود:

ذیل نکته اول تذکر داده شده است که توصیف الهی به صفات جلال و اکرام (جمال) هر يك می‌تواند به گونه‌ای اسائه ادب منتهی شود، ولی چون نفس انسانی در عالم حس و خیال مستغرق گردیده است راهی برای شناخت پروردگار جز تفکر در صفات جلال و جمال ندارد و از این جهت معذور است. در ادامه مطلب، بار دیگر به اهمیت وصف «هو» اشاره شده است.<sup>۲۶</sup>

در ادامه این بحث، نکته دیگری آمده که اهمیت ذکر «هو» را با بیانی دیگر و ضمن مطالبی پیرامون تأثیر شوق در تحصیل کمال، مدلل داشته است.<sup>۲۷</sup> سپس نکته دیگری به استقلال، میرهن ساخته که اصولاً اشرف مقامات سالک مقام

### فصل:

معنی اسم «الله» نزد اکابر عرفاء: ...عبارة عن مرتبة الالهية الجامعة لجميع الشئون والاعتبارات والنوع والكمالات، المندرجة فيها جميع الاسماء والصفات ... و هي اول كثرة وقعت في الوجود برزخ بين الحضرة الاحدية و بين المظاهر الامرية و الخلقية<sup>۲۸</sup> ... موقعیت اسم به طور کلی در مراتب وجود و هذه الاسماء المفلوطة اسماء الاسماء و التكثر فيها بحسب تكثر النوع و الصفات، و ذلك التكثر انما يكون باعتبار مراتبه الغيبية و شئونه الالهية التي [هي] مفاتيح الغيب... فكل ما في عالم الامكان صورة اسم من اسماء الله و مظهر شأن من شئونه... فالذات الاحدية مع احديتها و بساطتها مصداق لمحل هذه المعاني عليها من غير وجود صفة زائده كما مر<sup>۲۹</sup>.

در ادامه این فصل، کلامی از «بعض اهل الله» نقل می‌کند، بی آن که نام ببرد یا منبع نقل را ذکر کند، و تا پایان فصل<sup>۳۰</sup> نزدیک به دو صفحه در تحلیل سخن مزبور. مطالبی افاده می‌کند.

### فصل:

#### آیا اسم جلاله (الله) قابل تعریف است؟

در این فصل ابتدا معنی حد نزد اهل منطق بیان شده و با توجه به این که حد اشاره به اجزا دارد، نتیجه گرفته شده که لفظ «الله» نمی‌تواند دارای حد منطقی باشد. اما مفهوم متعارف «الله» که بر ذات مستجمع جمیع صفات کمال اطلاق می‌گردد، دارای تعریف اجمالی به صورت مذکور و تعریف تفصیلی با توجه به جزئیات صفات و مظاهر و اسما می‌باشد. در ادامه این فصل سخنانی از محیی‌الدین، از فصّ نوحی و فصّ اسماعیلی فصوص نقل و تحلیل شده است.<sup>۳۱</sup>

### فصل:

#### در باره کیفیت عبادت پروردگار توسط عوام و خواص:

در این فصل ضمن استفاده‌ها و اقتباسهای شایسته از آیات قرآن، تذکر داده شده که هر کس، خداوند را به اسمی عبادت



ذکر است<sup>۳۲</sup> و در ادامه آن یکی از نوادر اذکار شریفه بیان شده<sup>۳۳</sup> و به مناسبت آن، چهار مرتبه از مراتب سلوک تشریح شده است (۳). آنگاه ضمن نقل سخنی از غزالی<sup>۳۴</sup> و به مناسبت مراتب چهارگانه مذکور، بحث اصالت و محجوبیت وجود و اعتباریت ماهیت مطرح شده و چندین صفحه به طرح ادله طرفین و بحث درباره آنها اختصاص یافته است<sup>۳۵</sup>. بعد از بحث اصالت وجود بار دیگر، به عنوان نتیجه، وارد بحث توحید و مراتب آن می‌گردد<sup>۳۶</sup> و ضمن فصلی با این عنوان که، خداوند حق و ما سوای او در مقابل او باطل هستند<sup>۳۷</sup> تفسیر دو کلمه «بسم» و «الده» را به پایان می‌رساند.

### فصل: در معنی و تفسیر رحمان و رحیم:

در این فصل معنی لغوی رحمان و رحیم، توسعه کیفی و کمی معنی رحمان نسبت به رحیم، اختصاص رحمان به خداوند و نادرستی اطلاق آن بر غیر، بیان شده و بر مجازیت اطلاق رحمان بر غیر خداوند به سه طریق استدلال شده است.<sup>۳۸</sup>

### فصل: در علت تقدیم رحمان بر رحیم.<sup>۳۹</sup>

#### فصل: در توجیه اتصاف خداوند به رحمت:

توجه اساسی این فصل به این معناست که پاره‌ای از صفات منسوب به خداوند، نظیر رحمت و غضب، مستلزم حالات انفعالی و عاطفی است یا می‌توان گفت اصولاً ماهیت آنها همان انفعال است و در این صورت اطلاق این گونه صفات بر خداوند نیازمند به توجیه عقلی است. در اینجا صدرالدین ضمن نقل توجیهی از دیگران می‌گوید استیای الهی به اعتبار غایات خود اطلاق می‌گردند و مبادی فعلی و انفعالی. به گونه‌ای که برای ما شناخته شده است، در آنها منظور نمی‌شود. سپس این توجیه را، به این دلیل که باب تأویل را می‌گشاید، مردود می‌شمارد و از طریق دیگری معنی این گونه صفات و اسما را شرح می‌دهد. این فصل با نقل کلامی از فخرالدین عراقی در لمعات پایان می‌پذیرد<sup>۴۰</sup> و در همین جا تفسیر «بسم‌الله الرحمن الرحیم» به انجام می‌رسد.<sup>۴۱</sup>

#### نتیجه:

به بهانه مقایسه‌ای بین دو تفسیر عرفانی، یعنی تفاسیر محیی‌الدین و صدرالدین، شمه‌ای از مطالب مورد نظر این دو قطب عرفان نظری و فلسفه الهی را نیز، حداقل در تفسیر یکی

از آیات، ملاحظه کردیم و این دستاورد، بویژه در مورد صدرالمتألهین که تفاسیر وی موضوع این مقاله است، مغتنم است. البته این يك نمونه، به هیچ‌وجه کافی نیست، اما تا آنجا که به مقایسه این دو تفسیر مربوط می‌شود می‌توان گفت: جدا از تفاوت چشمگیر حجم مطالب در تفسیر «بسم‌الله الرحمن الرحیم» (از ۲ صفحه تا ۳۹ صفحه) بر حسب این يك مورد - که البته ملاک حکم کلی و قطعی نیست - تفسیر محیی‌الدین در مقایسه با تفسیر ملاصدرا يك بُعدی است. یعنی جنبه‌ای خاص از تفسیر عرفانی را مد نظر قرار می‌دهد و آن جعل اشاراتی از الفاظ و عبارات به مفاهیم عرفانی است اما تفسیر ملاصدرا بیشتر بحثی است و کمتر به الفاظ و عبارات و سمبل‌سازیه‌های عارفانه توجه دارد و حتی می‌توان گفت آنچه و جهت هست محیی‌الدین در تفسیر بوده تا حدودی مورد طعن صدرالمتألهین است. البته این تفاوت بارز، که بین دو تفسیر وجود دارد، منافعی با آن نیست که صدرالدین در عرفان نظری خود بکلی تحت تأثیر محیی‌الدین باشد و در عین حال بکوشد تا آن اصول تعبیدی و جزمی وی را، که مقتدای او حاصل ارتباط با عالم غیب می‌داند، با شیوه بحث و استدلال توجیه و تقریب کند. □

#### یادداشتها:

- ۱- در وسط آثار مذکور از سه منبع استفاده شده است: مقدمه التفسیر الکبیر (شامل تفسیر سوره فاتحه و البقره تا آیه ۶۲) به قلم سید عبدالله فاطمی، مقدمه اسفار، به قلم علامه شیخ محمد رضا مظفر و الذریعه تألیف علامه آقا بزرگ‌تهرانی
- ۲- اسفار، ۲، ۳۲۲ - ۳۲۵
- ۳- همان، ۳۵۵
- ۴- اسفار، ۶، به ترتیب موقوف سوم و چهارم
- ۵- اسفار، ۷، ص ۱۰ - ۳۰
- ۶- همان، ۳۰ - ۲۲
- ۷- همان، ۳۶ - ۳۹
- ۸- همان، ۴۰
- ۹- همان، ۴۲
- ۱۰- همان، ۵۰
- ۱۱- اسفار، ۸، ص ۳۰۳ - ۳۲۲
- ۱۲- کلیه مباحث اسفار، ۹، ص ۱۳۳ - ۳۷۹، یعنی تقریباً تمام کتاب.
- ۱۳- لازم به توضیح است که معمولاً «شبهه» و «روش» را به يك معنا به کار می‌برند، ولی مناسبت این است که «روش» به معنی مجموعه شبهه‌های معمول در يك روند تصیری کامل باشد. این اصطلاح کاملاً پیشنهادی است.
- ۱۴- تفسیر سوره حمد با قطع و زبری و چاپ حرروفی ۱۷۰ صفحه است، حکمت، قم چاپ دوم، بدون تاریخ. با تصحیح سید عبدالله فاطمی.

۱۵. یکی در صفحه ۱۲۷. از این بابویه در عیون اخبار الرضا با ذکر سند و دیگری از محمدبن مسعود عیاشی در تفسیر معروف خود.
۱۶. قید «تا حدودی»، برای این است که فقط نام منبع اصلی نقل شده و نشانی دقیق، طبق معمول کتب علوم دینی قدیم، نیامده است.
۱۷. تفسیر سوره حید، ص ۷۷
۱۸. از صفحه ۲۶ تا ۱۷۰
۱۹. اسفار، جلد اول، مقدمه، ص ۱۷
۲۰. اسفار، جلد اول، ص ۲۰
۲۱. مقدمه فصوص: اما بعد فان رسول الله (ص) فی بئرة اربتها فی العشر الاخیر من محرم سته... وی در این مقدمه سلاقت خود با پیامبر اکرم را در یک رؤیای صادقه - به نظر خود - مینویسید مطالب فصوص الحکم قلمداد می‌کند.
۲۲. محیی‌الدین بن العربی، تفسیر القرآن الکریم، چاپ بیروت ۱۳۸۷، ج ۱، ص ۷۹ (دو صفحه).
۲۳. صدرالمتألهین، تفسیر کبیر، ج ۱، ص ۲۲
۲۴. همان، ۲۳
۲۵. همان، ۳۳، سطر ۵ - ۸
۲۶. همان، ۳۳ - ۳۵
۲۷. همان، ۳۵ - ۳۹
۲۸. همان، ۳۹ - ۴۱
۲۹. همان، ۴۱ و ۴۲
۳۰. همان، ۴۲ و ۴۳
۳۱. همان، ۴۳ - ۴۵
۳۲. همان، ۴۵ و ۴۶
- ۳۳ - ۳۴ - ۳۵ - همان، ۴۶
۳۴. همان، ۴۶ - ۶۰
۳۷. همان، ۶۰ و ۶۱
۳۸. همان، ۶۲ - ۶۵
۳۹. همان، ۶۵ - ۶۷
۴۰. همان، ۶۷ - ۷۱
۴۱. تمام تفسیر بسم الله... همان، ۳۲ - ۷۱ (۳۹ صفحه)

## «فراخوان همکاری» الحمد لله فاعل كل محسوس و معقول

در راستای شناخت حکمت متعالیه اسلامی و آشنایی با میراث کهن فکری اندیشمندان و متفکران بزرگ جهان اسلام به ویژه صدرالدین محمدبن ابراهیم قوامی شیرازی ملقب به ملاصدرا که بنای رفیع تفکر عظیم اسلامی را با صبغه‌ای شیعی و ایرانی به کمال رساند، و در اجرای اهداف عالی فرهنگی و علمی رهبر معظم انقلاب و فرمان معظمله، کنگره جهانی حکیم صدرالمتألهین شیرازی (ره) برگزار می‌گردد. لذا از کلیه اندیشمندان و صاحب نظران دعوت می‌شود ضمن همکاری و ارائه پیشنهادها و راهنمایی‌های خود چنانچه نسخه‌ای خطی از یکی از کتب ملاصدرا یا حواشی و تعلیقاتی بر آن و یا ترجمه‌ای در اختیار و سراغ دارند، این ستاد را مطلع فرمایند.

آدرس: تهران - شمال بزرگراه رسالت، رویروی مصلاي بزرگ  
تهران، مجتمع امام خمینی (ره)  
صندوق پستی ۱۵۸۷۵/۵۴۳۳؛ تلفن ۸۱۵۳۲۱۲، ۸۱۵۳۲۱۹؛  
فاکس ۸۸۳۱۸۱۷